روزنامه شرق

سه‌شنبه ۱۲ آبان ۱۴۰۵
۲۳ جمادی‌الاول ۱۴۴۸
۳ نوامبر ۲۰۲۶
سال بیست‌وسوم
شماره ۵۵۱۷
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه



«شرق» در گفت‌وگو با احمد بخشایش اردستانی، اختلاف بر سر ترتیب اجرای تعهدات و چشم‌انداز تماس‌های تازه تهران و واشینگتن را بررسی می‌کند

چه کسی قدم اول را بردارد؟

۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: برویم ماساژ مغزی: محمدعلی آرامی • آپلود؛ تبدیل مرگ به یک سرویس دیجیتال • در عمارت جنون: نسیم قاضی‌زاده

دموکرات‌ها به تکرار الگوی تاریخی انتخابات میان‌دوره‌ای امیدوارند و جمهوری‌خواهان برای حفظ قدرت تلاش می‌کنند

سایه سنت شکست بر سر ترامپ

گزارش تیتر یک را در صفحه ۴ بخوانید



پکن در کنار دوحه؛ شکل‌گیری کانال دیپلماتیک موازی تهران، مسقط و پکن برای مهار جنگ

آرایش تازه مذاکرات

این گزارش را در صفحه ۲ بخوانید

یادداشت

بحران ژئوپلیتیکی و اهرم گذار به انرژی خورشیدی



محسن راجی اسدآبادی

مدرس دانشگاه و پژوهشگر اقتصاد بخش عمومی

تعارضات نظامی در خاورمیانه را نمی‌توان صرفا در چارچوب موازنه قدرت، بازدارندگی، امنیت مرزها یا هزینه‌های مستقیم جنگ تحلیل کرد. در جهان امروز، هر بحران ژئوپلیتیکی می‌تواند هم‌زمان به تغییر مسیر سرمایه‌گذاری، بازتعریف امنیت انرژی، جابه‌جایی مزیت‌های رقابتی کشورها و شکل‌گیری منافع اقتصادی جدید منجر شود، از این منظر، یکی از پیامدهای کمتر مورد توجه تداوم تنش‌ها در خاورمیانه، از جمله جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیست به ایران و اختلال در مسیرهای راهبردی انتقال انرژی، این است که ممکن است ناخواسته روندی را تقویت کند که در بلندمدت وابستگی جهان به نفت و گاز منطقه را کاهش دهد و در نتیجه، بخشی از اهمیت اقتصادی و ژئوپلیتیکی این منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. این موضوع باید برای سیاست‌گذاران اهمیت ویژه‌ای داشته باشد، ممکن است کشوری که امروز بخش مهمی از قدرت اقتصادی و موقعیت راهبردی خود را از منابع انرژی به دست می‌آورد، در آینده با جهانی مواجه شود که برای تأمین رشد اقتصادی خود، کمتر از گذشته به نفت خاورمیانه نیاز دارد.

تجربه تاریخی نشان می‌دهد که بحران‌های انرژی می‌توانند برخلاف انتظار اولیه، به سود رقبای صنعتی و فناوری‌هایی تمام شوند که پیش‌تر برای شرایط جدید آماده شده‌اند. در بحران نفتی سال ۱۹۷۳، پس از جنگ اعراب و رژیم اشغالگر و تصمیم کشورهای عرب صادرکننده نفت برای کاهش تولید و محدودکردن صادرات، قیمت رسمی نفت خام عرب لایت از حدود ۲،۵۹ دلار در ژانویه ۱۹۷۳ به ۱۱،۶۵ دلار در ژانویه ۱۹۷۴ افزایش یافت، یعنی بیش از چهار برابر شد، این شوک، هزینه استفاده از خودروهای پرمصرف را بالا برد و مصرف‌کنندگان آمریکایی را به سمت خودروهای کوچک‌تر و کم‌مصرف‌تر سوق داد. خودروسازان ژاپنی، به‌ویژه تویوتا و هوندا، که پیش‌تر در تولید خودروهای اقتصادی مزیت داشتند، توانستند از تغییر ترجیحات مصرف‌کنندگان بهره ببرند و جایگاه خود را در بازار آمریکا تقویت کنند. بحران برای اقتصادهای واردکننده نفت هزینه‌زا بود، اما در همان حال، به فرصتی برای رقبای صنعتی‌ای تبدیل شد که توانسته بودند فناوری و محصول مناسب را پیش از تغییر بازار توسعه دهند.

درس اصلی آن تجربه این است که بحران لزوما به سود تولیدکننده کالایی که قیمت آن افزایش یافته تمام نمی‌شود، افزایش قیمت نفت در دهه ۱۹۷۰ به خودروسازان ژاپنی امکان داد از مزیت فناوری و بهره‌وری خود برای تصاحب بازار استفاده کنند، به بیان دیگر، شوک انرژی نه‌تنها هزینه مصرف نفت را افزایش داد، بلکه به تغییر ساختار رقابت صنعتی در قرن بیستم انجامید. اکنون نیز می‌توان همین منطق را در مقیاسی وسیع‌تر در مورد انرژی خورشیدی و سایر فناوری‌های جایگزین بررسی کرد، تفاوت این است که موضوع امروز فقط تغییر یک محصول مصرفی نیست، بلکه احتمال تغییر تدریجی زیرساخت انرژی جهان و جابه‌جایی قدرت میان کشورهای صادرکننده سوخت، تولیدکنندگان فناوری و اقتصادهای واردکننده مطرح است.

ابعاد این تحول در روند توسعه انرژی خورشیدی، مطابق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی درباره تحولات انرژی جهان در سال ۲۰۲۵، ظرفیت جدید انرژی‌های تجدیدپذیر در جهان به حدود ۸۰۰ گیگاوات رسید و بیش از سه‌چهارم این افزایش به انرژی خورشیدی اختصاص داشت، در سال ۲۰۲۶ ظرفیت جدید خورشیدی از ۸۰۰ گیگاوات فراتر رفت و چین سهم بسیار بزرگی از توسعه ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر جهان را به خود اختصاص داد. البته این روند پیش از بحران جاری نیز وجود داشت، بنابراین، نمی‌توان جنگ را علت اصلی رشد انرژی خورشیدی دانست، بااین‌حال، افزایش ریسک تأمین نفت و گاز، جهش هزینه‌های حمل‌ونقل و بیمه و نگرانی درباره استمرار دسترسی به سوخت می‌تواند انگیزه کشورها برای تسریع این گذار را افزایش دهد.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

همگانی‌شدن «مسئله ایران»



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

یک حرف صوفیانه بگویم اجازت است؟/ ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری (حافظ)

مرکز آمار، نرخ تورم مهرماه را منتشر کرد و چنان‌که پیش‌بینی می‌شد جز تغییراتی بسیار اندک، اتفاق خاصی رخ نداده و هیولای تورم در حال رشد است. تورم نقطه به نقطه به ۸۹.۸ درصدی به ۸۸.۷ درصد کاهش اما تورم سالانه ۷۳.۶ درصدی به ۷۶.۸ درصد و تورم ماهانه ۴.۲ درصدی به ۴.۴ درصد افزایش یافته است. این‌همه البته اعداد و ارقامی است که شاید به کار اقتصاددانان و پژوهشگران بیاید و کمتر نسبتی با آنچه دارد که مردم روزانه با گوشت و پوست خود در درجاتی بالا و متناسب با جایگاه هر فرد و خانوار در هرم اجتماعی لمس می‌کنند. اما براساس همین ارقام خشک و انتزاعی هم می‌توان قضاوت کرد که با وجود تلاش‌های متولیان سه ضلع اقتصاد (بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بودجه) که در ساختار فعلی بهترین‌های نوع خود هستند (ناصر همتی، علی مدنی‌زاده، حمید پورمحمدی) اما دستاورد حاصله شاید فقط بدترنشدن وضعیت بوده است: «اقتصاد ایران در حال ورود به تورم‌های فزاینده و آماده‌شدن برای ابرتورم بوده و به دلایلی حداقل به‌طور موقتی آن موضوع منتفی شده است» (تیمور رحمانی- ۱۴۰۵/۸/۹). اما خروج از این وضعیت بس خطیر طبق مبانی علم اقتصاد جز از طریق کاهش هزینه‌ها و افزایش درآمدهای دولت ممکن نیست. چنان‌که «جان مینارد کینز» در بخشی از نامه خود به وزیر اقتصاد فرانسه در سال ۱۹۲۳ می‌نویسد: «اگر به‌دنبال کاهش تورم هستید گزینه‌های زیادی ندارید، شما کسری بودجه زیادی دارید و برای تأمین مالی خود پول چاپ می‌کنید و به خلق پول مشغولید؛ بنابراین برای کاهش تورم، یک راه، کاهش هزینه‌های دولت است، که به نظر برای شما کار بسیار سختی است، راه دیگر، افزایش درآمد است که یعنی افزایش مالیات، که آن هم به نظر برای شما سخت است، عدم پرداخت بدهی خود یا پرداخت آن با سود کمتر، که بازهم به نظر برای شما سخت است. اما آیا راه دیگری هست؟ پاسخ منفی است». در اقتصاد سیاسی فعلی میهنمان، کاهش هزینه‌های دولت ناممکن است، چراکه معنایی جز کاهش سطح رفاه حداقلی فعلی جامعه ندارد و از سوی دیگر افزایش درآمدهای دولت نیز با توجه به محاصره دریایی و وضعیت جنگی و تحریم‌ها و «تعادل مخربی» که به تعبیر توماس سارجنت، نوبلیست اقتصاد، بین بازیگران تورم بالا وجود دارد (بانک‌ها، ارگان‌ها و نهادهای خاص و بخش‌هایی از جامعه و...) از حوزه امکانات و اختیارات دولت خارج است. چنان‌که وزیر اقتصاد وقتی در مجلس از تشکیل «اتاق عملیات جنگ اقتصادی» در این وزارتخانه برای کاهش تورم سخن گفت، مهم‌ترین اقدام این اتاق را «اصلاح بانک‌های ناتراز و کنترل ترازنامه آنها» عنوان کرد (۱۴۰۵/۸/۶). اقدامی هرچند ارزشمند در صورت انجام (که با توجه به برجابودن مشکل اصلی نظام بانکی یعنی نرخ بهره و سود سپرده زیر نرخ تورم و ایجاد رانت‌های عظیم بسیار بعید می‌نماید) صرفا درمان بخشی از بلای تورم است و ماشین خلق پول به طرق مختلف در حال کار است و نتیجه همین وضعیت فعلی است و کاسه‌کوزه‌هایی که سر وزیر اقتصاد می‌شکنند و کارت زردی که از سوی مجلسیان به جای تشویق و حمایت، نصیبش می‌شود که جز این نیز البته انتظاری نبود (چرا وزیر اقتصاد مهم نیست. شرق- ۱۴۰۴/۲/۱۶). وزیری که می‌پذیرد در قالب همان استراتژی‌ها و در همان ریل‌های کارگذاشته‌شده قبلی حرکت کند، اقدامات مفید کوچک او کمتر گره‌گشای بحران‌های فعلی است و مورد توجه و استقبال جامعه نیست.

در شرایط نزدیک به سه‌رقمی‌شدن تورم و کاهش رشد اقتصادی به منفی ۱۰.۱ درصدی در بهار امسال و پیش‌بینی ۷.۶ درصدی تا آخر سال (صندوق بین‌المللی پول) و... استیضاح وزیر و فریاد وکیل کمتر تأثیری در بهبودی اوضاع خواهد داشت و در شرایط جنگ و محاصره دریایی و محدودیت فروش نفت و کاهش دسترسی به درآمدهای ارزی و تشدید نااطمینانی‌ها و... هر اصلاح سیاستی کمتر امکان افقی می‌گشاید و موانع سخت را در هم می‌شکند.

ابرچالش‌های اقتصادی همچون تورم، رکود، فقر، بیکاری و... به نظر یک راه‌حل بیشتر ندارند و آن راه‌حل این است که همه این ابرچالش‌ها (و البته ابرچالش‌ها در سایر حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی اعم از انسداد و فقدان تحزب و تشکل‌گرایی تا تعارضات فرهنگی و...) در قالب «مسئله ایران» طرح و به موضوع «گفت‌وگوی ملی» تبدیل شود. چراکه بزرگ‌ترین مشکل جامعه ایران چنان‌که در پژوهش‌های نهادهای معتبر عنوان شده است «گسست میان دولت و ملت، و ناکامی دولت در متقاعدکردن و آشتی‌دادن اکثریت جامعه با الگوی خود است» (قطار سیاست و ریل جامعه مدنی و بار سیاست- شرق- ۱۴۰۵/۸/۵) .

ادامه در صفحه ۵

سرمقاله

آیا بمب اتمی امنیت می‌آورد؟



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

در هفته‌های اخیر شاهد موجی در حمایت از ساخت سلاح اتمی از سوی کسانی هستیم که طی سال‌های اخیر نظر مثبتی نسبت به رویارویی بین ایران و برخی قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای داشته‌اند. تحول جدید در این روند پیوستن برخی شخصیت‌ها، ازجمله برخی از ائمه محترم جمعه، به این موج جدید است. پیوستن این شخصیت‌ها به این موج، صرف‌نظر از تاکتیکی بودن یا نبودن آن، از آن جهت مهم است که برخی آنها را نزدیک به هسته مرکزی قدرت تصور کرده و اظهارات آنها را بازتاب سیاست نظام دانسته‌اند. مجال‌دادن به چنین تلقی و تصوری از آن جهت خطرناک است که کار مسئولان و تلاش آنها برای جلوگیری از جنگ دیگری را دشوارتر می‌کند. این در شرایطی است که حتی اگر ساخت سلاح هسته‌ای نیز در دستور کار قرار گیرد و امکانات لازم نیز فراهم باشد، برای ساخت بمب و تکمیل شبکه لازم برای عملیاتی‌شدن آن با یک دوره پرچالش حداقل یک‌ساله مواجه خواهیم بود. بسیاری، حتی بسیاری از کارشناسانی که از بمب حرف می‌زنند، عمدتا در سطح کلیات و شعار باقی می‌مانند و تصور چندانی از موضوع و دشواری‌ها و تهدیدهای نهفته در آن برای کشور و عموم مردم ندارند. از آنجا که این موضوع می‌تواند فراتر از خسارات و تلفات عظیم برای کشور و مردم، حتی منشأ تهدیداتی برای تمدن ایرانی باشد، لازم است بدون هیجان و به طور عقلانی در مورد آن گفت‌وگو کرد و حرف همه طیف‌های سیاسی و کارشناسی را در مورد آن شنید.

آیا بمب اتمی امنیت می‌آورد؟

طرفداران بمب استدلال می‌کنند که بمب بازدارنده نهایی جنگ است و موجب صلح می‌شود؛ کمااینکه طی ۷۰ سال مانع جنگ بین شوروی و غرب شد. منطق راهبردی این استدلال این است که اگر یک کشور بداند حمله به کشوری دیگر موجب تلافی پشیمان‌کننده خواهد شد، ممکن است از حمله خودداری کند. اما بمب اتمی ممکن است بازدارنده نوع خاصی از جنگ باشد، اما صلح را تضمین نمی‌کند، بلکه شکل جنگ را تغییر می‌دهد و می‌تواند منشأ اَشکال جدیدی از ناامنی‌ها و جنگ‌ها شود و در مواردی امنیت کشور را در مجموع کاهش دهد. در این رابطه، اجمالا نکات زیر قابل طرح است:

۱. سلاح اتمی ممکن است مانع حمله اتمی شود، اما مانع جنگ‌های متعارف، تجاوزات محدود، عملیات مخفی و خرابکاری، ترور، تحریم اقتصادی و ایجاد بی‌ثباتی و جنگ‌های نیابتی نیست. شوروی به‌رغم داشتن بزرگ‌ترین زرادخانه هسته‌ای فروپاشید، روسیه اتمی در باتلاق اوکراین گرفتار شد و در عمق خاک خود و در اطراف کرملین هدف پهپادهای اوکراین قرار دارد. هند و پاکستان بعد از هسته‌ای‌شدن دو بار دیگر با هم جنگیدند. پاکستان هسته‌ای هدف حمله طالبان قرار دارد و به‌رغم اتمی‌بودن آمریکا و اسرائیل، ایران در حمله موشکی به آنها بی‌محابا عمل کرده است و... .

۲. بازدارندگی هسته‌ای به عنوان یک تدبیر دفاعی برای یک کشور منشأ «معمای امنیت» است؛ به این معنی که افزایش امنیت یک کشور موجب کاهش امنیت دیگر کشورهای منطقه می‌شود و واکنش آنها را در پی می‌آورد. مسابقه تسلیحاتی که از این معادله حاصل می‌شود، موجب بی‌ثباتی بیشتر است. «معمای امنیت» موجب گرایش دیگر قدرت‌های رقیب به تقویت نیروی نظامی، تقویت اتحاد با کشورهای خارج از منطقه و نهایتا تمایل به ساخت سلاح هسته‌ای می‌شود و حتی ممکن است به عنوان یک تدبیر موقت موجب درخواست از یک قدرت هسته‌ای برای استقرار «سلاح‌های هسته‌ای قرضی» در قلمرو خود شود. آمریکا در حال حاضر در شش کشور عضو ناتو سلاح هسته‌ای مستقر کرده و در دوره جنگ سرد در کره جنوبی و ژاپن نیز سلاح هسته‌ای داشت. مسابقه تسلیحاتی هسته‌ای در سطح منطقه که در نتیجه هسته‌ای‌شدن یک قدرت منطقه‌ای و برای حفظ توازن و برقراری «ثبات استراتژیک» که لازمه بازدارندگی است، شروع می‌شود، منشأ بی‌ثباتی جدیدی است که هزینه اقتصادی سرسام‌آوری را نیز برای حفظ، نگهداری و روزآمدکردن زرادخانه هسته‌ای و حفظ موازنه تحمیل می‌کند. همین امر یکی از دلایل سقوط شوروی بود.

۳. سلاح هسته‌ای نمی‌تواند علل بنیادین ناامنی را رفع کند یا از شدت آن بکاهد. سلاح اتمی اختلافات ارضی، رقابت‌های ایدئولوژیک، رقابت‌های منطقه‌ای، آسیب‌پذیری‌های اقتصادی و انزوای سیاسی کشورها را اگر تشدید نکند، تخفیف نخواهد داد.

ادامه در صفحه ۶

برگزیده‌ها

گرفتاری بیماران هموفیلی و تالاسمی میان کمبود دارو و گرانی و وعده‌های سازمان غذا و دارو

جان‌هایی که به ارز گره خورده‌اند

۵

آنچه باید درباره مرورگرهای بومی و وعده دسترسی بدون فیلترشکن دانست

جای خالی امنیت

۶

نگاهی به «نردبان سالیان» آن تایلر

زندگی هر آدمی یه جور مأموریته

۷

۴ اقتصاددان نسبت به وضعیت تورمی هشدار داده و از راهکارهای مهار تورم می‌گویند؛

لبه ابرتورم

۳

نگاه

آزارهای کوچک، زخم‌های بزرگ

یادداشتی از قادر باستانی‌تبریزی

۸

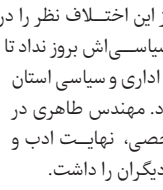
ضرورت بازاندیشی در سیاست جنایی

یادداشتی از پیمان حاج‌محمودعطار

۵

یادداشت

در رثای یک اصولگرای واقعی



مصطفی ایزدی

مهندس حسین طاهری، استاندار پرآوازه تهران، در ۸۵سالگی دنیای فانی را واگذاشت و به دیار باقی پا گذاشت. این مرد شریف و عزیز که ۱۱ سال از دوران خدمتش را با عنوان استاندار استان تهران، زمانی که استان‌های البرز و قم از شهرستان‌های این استان بودند سپری کرد. پیش از آن نیز یعنی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۶۲ استاندار استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی بود. بنده به مدت دو سال در استانداری تهران معاون سیاسی مهندس طاهری بودم. پیش از آن با وی از نزدیک آشنایی نداشتم، اما هنگامی که به پیشنهاد آقای عبدالله نوری -وزیر محترم کشور در دولت اول هاشمی‌رفسنجانی- معاون او شدم، آشنایی‌ام به یک دوستی درازمدت تبدیل شد. زیرا از همان اول شیفته منش و اخلاق نیکویش شدم. گرچه در بعضی مواضع سیاسی با هم اختلاف نظر داشتیم، اما او هرگز این اختلاف نظر را در همکاری با معاون سیاسی‌اش بروز نداد تا در کارها و تصمیمات اداری و سیاسی استان اثر بگذارد. مهندس طاهری در رفتار شخصی، نهایت ادب و احترام به دیگران را داشت.

ادامه در صفحه ۴

جناب آقای سعید شریعتی

درگذشت پدر گرامی‌تان را تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن مرحوم، غفران و برای بازماندگان صبر و اجر مسئلت داریم.

مهدی رحمانیان
سیدشهاب‌الدین طباطبایی
شهرزاد همتی و احسان قلمچی